

جایگاه تعدد قاضی در ترتیبات رسیدگی و صدور حکم

سعید غیاثوند^۱، مجید میرزایی^۲، بهزاد حسین زاده^۳

^۱ استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود.

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود.

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود.

چکیده

از جمله نوآوری های قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ماده ۲۹۷ می باشد. این ماده در مقام بیان ترکیب دادگاه انقلاب می گوید: «دادگاه انقلاب برای رسیدگی به جرائم موجب مجازات مندرج در بندهای (الف)، (ب)، (پ)، و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون با حضور رئیس و دو مستشار تشکیل می شود. دادگاه برای رسیدگی به سایر موضوعات با حضور رئیس یا دادرسی علی البدل یا توسط یک مستشار تشکیل می شود. تبصره- مقررات دادرسی دادگاه کیفری یک به شرح مندرج در این قانون در دادگاه انقلاب، در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می کند جاری است.» از توجه به ماده ۲۹۶ همان قانون که بیان می دارد: «دادگاه کیفری یک با حضور رئیس و دو مستشار و در غیاب رئیس با حضور سه مستشار تشکیل می شود. در این وضعیت ریاست دادگاه به عهده عضو مستشاری است که سابقه قضائی بیشتری دارد...» چند نکته درخور توجه است: نکته اول: وجه اشتراک ترکیب دادگاه انقلاب و دادگاه کیفری یک در این است که رسمیت جلسات دادگاه با حضور تمامی اعضا می باشد. نکته دوم: در دادگاه کیفری یک در صورتی که رئیس دادگاه به هر دلیل غایب باشد. مستشار دیگری به ترکیب اضافه می شود. لکن در خصوص غیبت رئیس در ترکیب دادگاه انقلاب نصی وجود ندارد. و نمی توان از تبصره ذیل ماده ۲۹۷ برداشت نمود که مستشار دیگری جایگزین می شود. زیرا تبصره مذکور ناظر به قواعد دادرسی است نه ترکیب دادگاه. به عقیده ما با توجه به عمومات قانونی در این فرض دادرسی علی البدل جایگزین خواهد شد. نکته سوم: ترکیب دادگاه کیفری یک در تمام موارد از سیستم تعدد قاضی برخوردار است ولی در دادگاه انقلاب حسب مورد از سیستم تعدد قاضی یا وحدت قاضی بهره مند است. به عبارتی ماده ۲۹۷ در این خصوص قایل به تفکیک شده است. سیستم تعدد قاضی در مواردی است که مطابق بندهای الف تا ت ماده ۳۰۲ قانون مذکور به جرائم موجب (مجازات سلب حیات- حبس ابد- قطع عضو و جنایات عمومی علیه تمامیت جسمانی به میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن - تعزیری درجه چهار و بالاتر) رسیدگی می شود. در خصوص رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی و سایر مواردی که در صلاحیت دادگاه انقلاب می باشد سیستم وحدت قاضی حاکم است.

واژه های کلیدی: تعدد قاضی، وحدت قاضی، دادرسی کیفری، دادگاه کیفری

مقدمه

تعدد قاضی، مبتنی بر سیره عقلای است که در نظام های مختلف حقوقی دیده می شود. به گونه ای که مجمعی از قضات به صورت مشترک و در یک مورد واحد به انشاء و اصدار حکم بپردازند. هر چند در کلام همه فقهای امامیه، به صراحت سخنی پیرامون نهاد تعدد قاضی و یا قضاوت مشترک و شورایی به چشم نمی خورد، ولی با بررسی ادله جواز قضا می توان دریافت که فقها وحدت یا تعدد قضات را در شرایط کلی قاضی مطرح نکرده اند. بنابراین از اطلاق این ادله می توان راهی به سوی این شیوه قضاوت گشود. همچنین با بررسی تفاوت مفهوم حکم و فتوی و تعریف موسعی که فقها برای حکم حاکم قایل هستند می توان به این دست یافت که حکم، به رغم مصلحت ملزمه ای که در آن نهفته است موضوعیت تام ندارد و طریقی برای رسیدن به حجت شرعی است و در این طریق، تفاوتی میان وحدت و تعدد قاضی در انشاء حکم وجود ندارد و چه بسا نحوه قضاوت مشترک که حاصل شور و مشورت قضات است بیشتر مورد اطمینان باشد. مساله قضاوت شورایی یا تعدد قاضی همواره مورد تجزیه و تحلیل حقوق دانان قرار داشته است و در مورد محاسن و معایب آن نظرات فراوانی ابراز گشته است. نکته مهم در موضوع قضاوت شورایی وجود رابطه معنادار بین سیستم تعدد قاضی و نزدیک شدن به عدالت کیفری است بدین معنا که بهره گیری از نظام قضاوت شورایی احتمال خطای قاضی را کاهش داده و رضایت طرفین دعوا را فراهم میسازد در راستای عملیاتی سازی این نظام مشکلات و موانعی نیز وجود دارد که بابرنامه ریزی و برطرف کردن خلا قانونی میتوان آن مشکلات را مرتفع ساخت.

مبحث اول: ترتیبات رسیدگی و صدور حکم در مرحله بدوی

با توجه به اینکه ترتیبات رسیدگی در دادگاههای کیفری پیش بینی شده در ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ با یکدیگر متفاوت است. از این رو مطالب این مبحث به تفکیک هر دادگاه کیفری بیان شده است. پیش از آن ابتدا قواعد عمومی حاکم بر شروع مرحله رسیدگی در قالب یک گفتار بیان خواهند شد.

به علاوه با توجه به اینکه دادگاههای نظامی و ویژه روحانیت دارای قانون خاص مربوط به خود می باشند، لذا ترتیبات رسیدگی در هر کدام از این دو مرجع در ذیل در گفتار مستقل مورد بررسی قرار می گیرند. (اخوندی، ۱۳۹۰، ۷۶)

گفتار اول: قواعد عمومی حاکم بر شروع رسیدگی

اولین اقدام بعد از وصول پرونده از دادسرا به دادگاه، ارجاع پرونده به شعبات است. ماده ۳۳۸ ق.آ.د.ک در این زمینه مقرر کرده در حوزه هایی که شعب متعدد دادگاه تشکیل می شود ارجاع پرونده با رئیس حوزه قضایی است. رئیس حوزه قضایی می تواند این وظیفه را به یکی از معاونان خود تفویض کند و در صورت عدم حضور آنان، ارجاع با رئیس شعبه ای است که دارای سابقه قضایی بیشتر است.

پس از ارجاع پرونده به شعب دادگاههای کیفری بدوی همچنین دادگاه تجدیدنظر استان و شعب دیوان عالی کشور دیگر نمی توان آن را از شعبه مرجوع الیه، اخذ و به شعبه دیگر ارجاع داد مگر به تجویز قانون. تخلف از این حکم موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

مطابق ماده ۳۳۵ قانون مذکور دادگاههای کیفری در موارد زیر شروع به رسیدگی می کنند:

الف- کیفرخواست دادستان

ب- قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه

پ- ادعای شفاهی دادستان در دادگاه

لازم به ذکر است مطابق حکم ماده ۸۶ این قانون در غیر جرائم موضوع ماده ۳۰۲ این قانون، چنانچه متهم و شاکی حاضر باشند یا متهم حاضر و شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد و تحقیقات مقدماتی هم کامل باشد، دادستان می‌تواند رأساً یا به درخواست بازپرس با اعزام متهم به دادگاه و در صورت حضور شاکی به همراه او دعوای کیفری را بلافاصله بدون صدور کیفرخواست به صورت شفاهی مطرح کند.^۱

در این مورد، دادگاه بدون تأخیر تشکیل جلسه می‌دهد و به متهم تفهیم می‌کند که حق دارد برای تعیین وکیل و تدارک دفاع مهلت بخواهد که در صورت درخواست متهم، حداقل سه روز به او مهلت داده می‌شود. تفهیم این موضوع و پاسخ متهم باید در صورتمجلس دادگاه قید شود. هر گاه متهم از این حق استفاده نکند دادگاه در همان جلسه رسیدگی و رأی صادر می‌کند و اگر ضمن رسیدگی انجام تحقیقاتی را لازم بداند آنها را انجام و یا دستور تکمیل تحقیقات را به دادستان یا ضابطان دادگستری می‌دهد. اخذ تأمین متناسب از متهم با دادگاه است. شاکی در صورت مطالبه ضرر و زیان می‌تواند حداکثر ظرف پنج روز درخواست خود را تقدیم کند و دادگاه می‌تواند فارغ از امر کیفری به دعوای ضرر و زیان رسیدگی و رأی مقتضی صادر نماید. باید توجه داشت که جرائم تعزیری درجه هفت و هشت مطابق ماده ۳۴۰ قانون یاد شده بطور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود. در این مورد و سایر مواردی که پرونده بطور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود دادگاه پس از انجام تحقیقات به ترتیب زیر اقدام می‌کند.

الف- چنانچه دادگاه خود را صالح به رسیدگی نداند قرار عدم صلاحیت صادر می‌کند و اگر مورد را از موارد منع یا موقوفی تعقیب بداند حسب مورد اتخاذ تصمیم می‌کند.

ب- در غیر موارد مذکور در بند الف چنانچه اصحاب دعوی حاضر باشند و درخواست مهلت نکنند، دادگاه با تشکیل جلسه رسمی مبادرت به رسیدگی می‌کند. در صورتی که اصحاب دعوی حاضر نباشند یا برای تدارک دفاع یا تقدیم دادخواست ضرر و زیان درخواست مهلت کنند دادگاه با اخذ تأمین متناسب از متهم وقت رسیدگی را تعیین و مراتب را به اصحاب دعوی و سایر اشخاصی که باید در دادگاه حاضر شوند ابلاغ می‌کند.^۲

اگر پرونده با کیفرخواست به دادگاه اجاع شود دادگاه مکلف است بدون تعیین وقت رسیدگی حداکثر ظرف یک ماه پرونده را بررسی و چنانچه خود را صالح به رسیدگی نداند یا مورد را از موارد منع یا موقوفی تعقیب تشخیص دهد حسب مورد اتخاذ تصمیم کند (ماده ۳۴۱).

همچنین در صورتی که دادگاه تحقیقات را ناقص بداند یا موارد جدیدی پس از پایان تحقیقات کشف شود که مستلزم انجام تحقیق باشد دادگاه با ذکر دقیق موارد تکمیل تحقیقات را از دادسرای مربوط درخواست یا خود اقدام به تکمیل تحقیقات می‌کند. در مورد اخیر و همچنین در مواردی که پرونده بطور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود انجام تحقیقات مقدماتی توسط دادگاه باید طبق مقررات مربوط صورت گیرد. (خالقی، ۱۳۹۴، ۶۳)

۱- مشابه حکم مذکور در ماده ۳۳ آ.د.و.ر. مصوب ۱۳۸۴ به این شرح آمده که: در جرایم جزئی که تحقیقات مقدماتی آن کامل شده یا نیاز به تحقیقات نباشد دادستان بلافاصله ادعای کیفری خود را در دادگاه مطرح نموده و دادگاه حکم صادر می‌نماید.

۲- نگاه کنید به: بخشنامه شماره ۱۰۰/۷۴۶۹۹/۹۰۰۰ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۶ ریاست قوه قضائیه مبنی بر تکلیف مرجع صالح قضایی به مطلع ساختن سازمان بازرسی کل کشور از وقت رسیدگی منتشر در روزنامه رسمی، سال هفتادم، شماره ۲۰۳۸۸، دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۹۳ مندرج در بخش ضمایم همین کتاب.

در غیر از موارد فوق، دادگاه با تعیین وقت رسیدگی و ابلاغ آن به شاکی یا مدعی خصوصی، متهم، وکیل یا وکلای آنان، دادستان و سایر اشخاصی که باید در دادگاه حاضر شوند، آنان را برای شرکت در جلسه رسیدگی احضار می‌کند. تصویر کیفرخواست برای متهم فرستاده می‌شود فاصله بین ابلاغ احضاریه تا جلسه رسیدگی نباید کمتر از یک هفته باشد. هر گاه متهم عذر موجهی داشته باشد جلسه رسیدگی به وقت مناسبی موکول می‌شود.

در عین حال اگر متهم بدون عذر موجه حاضر نشود و دادگاه حضور وی را لازم بداند، علت ضرورت حضور در احضاریه ذکر می‌گردد و با قید اینکه نتیجه عدم حضور جلب است احضار می‌شود. هر گاه متهم بدون عذر موجه حاضر نشود و دادگاه همچنان حضور وی را ضروری بداند برای روز و ساعت معین جلب می‌شود. چنانچه حضور متهم در دادگاه لازم نباشد و موضوع جنبه حق الهی نداشته باشد بدون حضور وی رسیدگی و رأی مقتضی صادر می‌شود. (سنگلجی، ۱۳۷۶، ۱۸۰)

بعلاوه چنانچه خود متهم، وثیقه‌گذار باشد مطابق ماده ۲۳۰ ق.آ.د.ک در صورتی که حضورش لازم باشد احضار می‌شود و هر گاه ثابت شود بدون عذر موجه حاضر نشده است در صورت ابلاغ واقعی اخطاریه وجه التزام تعیین شده به دستور دادستان اخذ و یا از وثیقه سپرده شده معادل وجه قرار ضبط می‌شود. همچنین چنانچه متهم، کفیل معرفی کرده یا شخص دیگری برای او وثیقه سپرده باشد به کفیل یا وثیقه‌گذار اخطار می‌شود که ظرف یک ماه متهم را تحویل دهد. در صورت ابلاغ واقعی اخطاریه و عدم تحویل متهم به دستور دادستان حسب مورد وجه الکفاله اخذ و یا از وثیقه معادل وجه قرار، ضبط می‌شود.

هر گاه ابلاغ احضاریه به علت معلوم نبودن محل اقامت متهم ممکن نباشد و به طریق دیگر نیز ابلاغ احضاریه مقدور نشود وقت رسیدگی تعیین و مفاد احضاریه یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار ملی یا محلی آگهی می‌شود. تاریخ انتشار آگهی تا روز رسیدگی نباید کمتر از یک ماه باشد. چنانچه نوع اتهام با حیثیت اجتماعی متهم یا عفت عمومی منافی باشد در آگهی قید نمی‌شود. (جوانمرد، ۱۳۹۴، ۱۷۲)

در جرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری ۲ همچنین مواردی که دادگاه انقلاب با سیستم وحدت قاضی رسیدگی خود را انجام می‌دهد، هر یک از طرفین می‌توانند حداکثر دو وکیل به دادگاه معرفی کنند. در عین حال در جرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری یک و مواردی که دادگاه انقلاب با سیستم تعدد قاضی رسیدگی می‌کند هر یک از طرفین می‌توانند حداکثر سه وکیل به دادگاه معرفی نمایند. هر چند در صورت تعدد وکیل حضور یکی از آنان برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافی است.

متهم می‌تواند تا پایان اولین جلسه رسیدگی از دادگاه تقاضا کند وکیلی برای او تعیین شود. دادگاه در صورت احراز عدم تمکن متقاضی، از بین وکلای حوزه قضایی و در صورت عدم امکان از نزدیکترین حوزه قضایی، برای متهم، وکیل تعیین می‌نماید. در صورتی که وکیل درخواست حق الوکاله کند دادگاه حق الوکاله او را متناسب با اقدامات انجام شده تعیین می‌کند که در هر حال میزان حق الوکاله نباید از تعرفه قانونی تجاوز کند. خود دادگاه نیز چنانچه حضور و دفاع وکیل را برای شخص بزه دیده فاقد تمکن مالی ضروری بداند طبق مفاد این ماده اقدام می‌کند. حق الوکاله از محل اعتبارات قوه قضاییه پرداخت می‌شود (ماده ۳۴۷).

یادآوری می‌شود در جرائم موضوع بندهای (الف، ب، پ و ت) ماده ۳۰۲ این قانون، جلسه رسیدگی بدون حضور وکیل متهم تشکیل نمی‌شود. چنانچه متهم، خود وکیل معرفی نکند یا وکیل او بدون اعلام عذر موجه در دادگاه حاضر نشود تعیین وکیل تسخیری الزامی است و چنانچه وکیل تسخیری بدون اعلام عذر موجه در جلسه رسیدگی حاضر نشود، دادگاه ضمن عزل او، وکیل تسخیری دیگری تعیین می‌کند. وجود یکی از جهات رد دادرسی بین وکیل تسخیری با طرف مقابل، شرکا و معاونان جرم یا وکلای آنان موجب ممنوعیت از انجام وکالت در آن پرونده است. تقاضای تغییر وکیل تسخیری از سوی متهم فقط برای

یکبار قابل پذیرش است. البته اگر پس از تعیین وکیل تسخیری، متهم، وکیل تعیینی به دادگاه معرفی کند، وکالت تسخیری منتفی می‌شود. حق وکاله وکیل تسخیری از محل اعتبارات قوه قضاییه پرداخت می‌شود. هر گاه وکیل بدون عذر موجه از حضور در دادرسی امتناع کند دادگاه مراتب را به مرجع صالح به منظور تعقیب وکیل متخلف اعلام می‌دارد (ماده ۳۴۸)

در صورتی که متهم دارای وکیل باشد، جز در جرائم موضوع بندهای (الف، ب، پ و ت) ماده ۳۰۲ این قانون و نیز در مواردی که دادگاه حضور متهم را لازم تشخیص دهد عدم حضور متهم در جلسه دادگاه مانع از رسیدگی نیست.

شاکای یا مدعی خصوصی و متهم یا وکلای آنان می‌توانند با مراجعه به دادگاه و مطالعه پرونده، اطلاعات لازم را تحصیل نمایند و با اطلاع رئیس دادگاه به هزینه خود از اوراق مورد نیاز تصویر تهیه کنند. البته دادن تصویر از اسناد طبقه‌بندی شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرائم منافی عفت و جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی مطابق تبصره ماده ۳۵۱ این قانون ممنوع است.

محاکات دادگاه علنی است،^۳ مگر در جرائم قابل گذشت که طرفین یا شاکای، غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند. همچنین دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان قرار غیرعلنی بودن محاکم را در موارد زیر صادر می‌کند.

الف- امور خانوادگی و جرائمی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه است.

ب- علنی بودن، مخل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی باشد.

انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده که متضمن بیان مشخصات شاکای و متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان نباشند در رسانه‌ها مجاز است. بیان مفاد حکم قطعی و مشخصات محکوم‌علیه فقط در موارد مقرر در قانون امکان‌پذیر است. تخلف از مفاد این ماده در حکم افتراء است.

هر چند هر گونه عکسبرداری یا تصویربرداری یا ضبط صدا از جلسه دادگاه ممنوع است اما رئیس دادگاه می‌تواند دستور دهد تمام یا بخشی از محاکمات تحت نظارت اوبه صورت صوتی یا تصویری ضبط شود.

بعلاوه انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در محاکمات علنی که متضمن بیان مشخصات شاکای و متهم است. در صورتی که به عللی از قبیل خدشه‌دار شدن وجدان جمعی و یا حفظ نظم عمومی جامعه، ضرورت یابد به درخواست دادستان کل کشور و موافقت رئیس قوه قضاییه امکان‌پذیر است. (ولیدی، ۱۳۷۳، ۷۹)

اخلال در نظم دادگاه از طرف متهم یا سایر اشخاص، موجب غیرعلنی شدن محاکمه نمی‌شود بلکه باید به گونه‌ای مقتضی نظم برقرار شود. رئیس دادگاه می‌تواند دستور اخراج کسانی را که باعث اخلال در نظم دادگاه می‌شوند صادر کند مگر اینکه اخلال کننده از اصحاب دعوی باشد که در این صورت رئیس دادگاه دستور حبس او را از یک تا پنج روز صادر می‌کند. این دستور پس از جلسه رسیدگی، فوری اجراء می‌شود.

اگر اخلال کننده از وکلای اصحاب دعوی باشد، دادگاه به وی در خصوص رعایت نظم دادگاه تذکر می‌دهد و در صورت عدم تاثیر وی را اخراج و به دادرسی انتظامی وکلا معرفی می‌کند. چنانچه اعمال ارتكابی، واجد وصف کیفری باشد اجرای مفاد این ماده مانع از اعمال مجازات قانونی نیست. دادگاه پیش از شروع به رسیدگی مفاد این ماده را به اشخاصی که در جلسه دادگاه حضور دارند تذکر می‌دهد.

۳- منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است.

اضافه شود، حضور افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی به عنوان تماشاگر در محاکمات کیفری جز به تشخیص دادگاه ممنوع است. ضمناً مطابق ماده ۳۵۶ قانون موصوف در صورتی که متهم بازداشت باشد، آزادانه و تحت مراقبت لازم در جلسه دادگاه حضور می‌یابد.

ناگفته نماند، در همه دادگاههایی که با تعدد قضات تشکیل می‌شوند (دادگاه کیفری یک، دادگاه کیفری یک ویژه اطفال و نوجوانان و دادگاه انقلاب با سیستم تعدد قاضی) در صورت غیبت یا معذور بودن رئیس دادگاه، عضو ارشد دادگاه از حیث سابقه خدمت قضایی و در صورت یکسان بودن سابقه خدمت قضایی عضوی که سن او بیشتر است وظیفه رئیس دادگاه را بر عهده می‌گیرد. (رحمدل، ۱۳۹۴، ۹۶)

گفتار دوم: دادگاه کیفری ۲ و سایر دادگاههای مشابه^۴

ماده ۳۰۱ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد، مگر آنچه به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد.

از طرفی مستفاد از تبصره ماده ۲۹۷ قانون مذکور که مقرر داشته: مقررات دادرسی دادگاه کیفری یک به شرح مندرج در این قانون در دادگاه انقلاب، در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌کند جاری است. می‌توان اینگونه برداشت نمود که در سایر مواردی که دادگاه انقلاب با سیستم وحدت قاضی رسیدگی می‌کند مقررات دادرسی دادگاه کیفری ۲ جاری است.^۵ از طرف دیگر ماده ۲۹۹ همین قانون بیان داشته: رد صورت ضرورت به تشخیص رئیس قوه قضائیه در حوزه قضایی بخش دادگاه عمومی بخش تشکیل می‌شود. این دادگاه به تمامی جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری دو رسیدگی می‌کند.^۶ به بیان دیگر، در دادگاه عمومی بخش، رئیس یا دادرس علی‌البدل در جرائم موضوع صلاحیت این دادگاه رأساً رسیدگی و رأی صادر می‌کند. لایا این توضیح که در حوزه قضایی بخش، وظایف دادستان بر عهده رئیس حوزه قضایی و در غیاب وی بر عهده دادرس علی‌البدل دادگاه است.^۸

به این سان، مقررات و ترتیبات رسیدگی در دادگاه کیفری ۲ انقلاب با سیستم وحدت قاضی و عمومی بخش یکسان می‌باشد.

- منظور از دادگاههای مشابه دادگاه انقلاب با سیستم وحدت قاضی همچنین دادگاه عمومی بخش در مواردی است که رأساً اقدام به تحقیق رسیدگی^۴ و رأی می‌نماید. البته دادگاه نظامی ۲ و دادگاه اطفال و نوجوانان نیز کیفیات تشکیل و رسیدگی آنها شبیه دادگاه کیفری ۲ استولی چون از برخی کیفیات دادرسی افتراقی نیز بهره می‌برند لذا به طور مستقل به آنها پرداخته شده است.

- با توجه به تبصره ۱ ماده ۲۹۶ ق.آ.د.ک می‌توان گفت دادگاه انقلاب (صرفنظر از اینکه با سیستم وحدت قاضی یا سیستم تعدد قاضی رسیدگی نماید)^۵ در مرکز استان و به تشخیص رئیس قوه قضائیه در حوزه قضایی شهرستانها تشکیل می‌شود. در حوزه‌هایی که این دادگاه تشکیل نشده است به جرائم موضوع صلاحیت آن در نزدیکترین دادگاه انقلاب در حوزه قضایی آن استان رسیدگی می‌شود.

- مرجع رسیدگی به اعتراض نسبت به تصمیمات رئیس یا دادرس دادگاه عمومی بخش، دادگاه کیفری دو نزدیکترین شهرستان آن استان است.^۶ - در این دادگاه وظیفه دادستان از حیث تجدیدنظر خواهی از آراء بر عهده رئی دادگاه است و در مورد آرای که توسط وی صادر می‌شود بر عهده علی^۷ البدل است.

- دادستان شهرستان مرکز استان بر اقدامات افرادی که وظایف دادستان را در دادگاه بخش بر عهده دارند از حیث این وظایف و نیز حسن اجرای آراء^۸ کیفری، نظارت می‌کند و تعلیمات لازم را ارائه می‌نماید.

هر گاه پرونده با کیفرخواست به دادگاه (کیفری دو، انقلاب با سیستم وحدت قاضی و عمومی بخش) ارجاع شود، دادگاه مکلف است بدون تعیین وقت رسیدگی حداکثر ظرف یک ماه پرونده را بررسی و چنانچه خود را صالح به رسیدگی نداند یا مورد را از موارد منع یا موقوفی تعقیب تشخیص دهد حسب مورد اتخاذ تصمیم کند (ماده ۳۴۱)

همچنین در صورتی که دادگاه (کیفری دو، انقلاب با سیستم وحدت قاضی و عمومی بخش) تحقیقات را ناقص بداند یا موارد جدیدی پس از پایان تحقیقات کشف شود که مستلزم ایجاد تحقیق باشد دادگاه با ذکر دقیق موارد، تکمیل تحقیقات را از دادسرای مربوط درخواست یا خود اقدام به تکمیل تحقیقات می‌کند. در مورد اخیر و همچنین در مواردی که پرونده بطور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود،^۱ انجام تحقیقات مقدماتی توسط دادگاه باید طبق مقررات مربوط صورت گیرد.

در مواردی که پرونده بطور مستقیم در دادگاه (کیفری دو، انقلاب با سیستم وحدت قاضی و عمومی بخش) مطرح می‌شود دادگاه پس از انجام تحقیقات چنانچه خود را صالح به رسیدگی نداند قرار عدم صلاحیت صادر می‌کند و اگر مورد را از موارد منع تعقیب (ماده ۲۶۵) یا موقوفی تعقیب (ماده ۱۳) بداند حسب مورد اتخاذ تصمیم می‌کند. در غیر این صورت چنانچه اصحاب دعوی حاضر باشند و درخواست مهلت نکنند دادگاه با تشکیل جلسه رسمی، مبادرت به رسیدگی می‌کند. در صورتی که اصحاب دعوی حاضر نباشند یا برای تدارک دفاع یا تقدیم دادخواست ضرر و زیان، درخواست مهلت کنند دادگاه با اخذ تامين متناسب از متهم وقت رسیدگی را تعیین و مراتب را به اصحاب دعوی و سایر اشخاصی که باید در دادگاه حاضر شوند ابلاغ می‌کند (ماده ۳۴۰).

ماده ۳۵۸ ق.آ.د.ک در مبحث مربوط به ترتیب رسیدگی مقرر داشته دادگاه پس از تشکیل جلسه و اعلام رسمیت آن ابتدا در مورد شخص متهم به شرح مواد ۱۹۳ و ۱۹۴ این قانون اقدام و سپس به دیگر اشخاصی که در دادرسی شرکت دارند اخطار می‌نماید در موقع محاکمه برخلاف حقیقت، وجدان، قوانین، ادب و نزاکت سخن نگویند آنگاه رسیدگی را شروع می‌کن. رسیدگی در دادگاه به صورت توافقی و به ترتیب زیر انجام می‌شود:

الف- قرائت کیفرخواست توسط منشی دادگاه یا استماع عقیده دادستان یا نماینده وی در مواردی که طبق قانون پرونده با بیان ادعای شفاهی در دادگاه مطرح شده است.

ب- استماع اظهارات و دلایل دادستان یا نماینده وی که برای اثبات اتهام انتسابی ارائه می‌شود.

پ- استماع اظهارات شاکی یا مدعی خصوصی که شخصاً یا از سوی وکلای آنان بیان می‌شود.

ت- پرسش از متهم راجع به قبول یا رد اتهام انتسابی و استماع دفاعیات متهم و وکیل او که عیناً توسط منشی در صورت مجلس قید می‌شود.

ث- در صورت انکار یا سکوت متهم یا وجود تردید در صحت اقرار، دادگاه شروع به تحقیقات از متهم می‌کند و اظهارات شهود، کارشناس و اهل خبره‌ای که دادستان یا شاکی، مدعی خصوصی، متهم و یا وکیل آنان معرفی می‌کنند استماع می‌نماید.

ج- بررسی وسایل ارتکاب جرم و رسیدگی به سایر ادله ابرازی از سوی طرفین و انجام هر نوع تحقیق و اقدامی که دادگاه برای کشف واقع ضروری تشخیص می‌دهد.

- جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، جرایم اطفال کمتر از پانزده سال، جرایم منافی عفت و جرایم عادی رئیس جمهور همگی با رعایت صلاحیت ذاتی و محلی و نصاب ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک بطور مستقیم در دادگاههای مربوطه مطرح می‌شوند.

به این ترتیب، دادگاه علاوه بر رسیدگی به ادله مندرج در کیفرخواست یا ادله مورد استناد طرفین هر گونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم است را با قید جهت ضرورت آن انجام می‌دهد. بعلاوه دادگاه باید خلاصه اظهارات دادستان یا نماینده وی و عین اظهارات طرفین، شهود، کارشناس و اهل خبره را در صورتمجلس درج کند. (فیض، ۱۳۷۳، ۵۸)

یادآوری می‌شود به غیر از موارد استثنایی و خاصی که تحقیقات مقدماتی توسط دادگاه صورت گرفته و دادسرا در آن نقشی ندارد اصولاً رسیدگی دادگاه می‌بایست در چارچوب کیفرخواست و مبتنی بر تحقیقات دادسرا و محدود به همان اتهاماتی باشد که در کیفرخواست مورد تایید دادستان قرار گرفته است. به این ترتیب هدف مقنن این بوده که دادگاه از رسیدگی به جرائمی که در دادسرا مورد تحقیق قرار نگرفته و در کیفرخواست لحاظ نشده ممنوع باشد اما این به معنای ملزم ساختن دادگاه به رسیدگی به عنوان اتهامی مندرج در کیفرخواست نیست. زیرا آنچه در درجه اول اهمیت قرار دارد این است که تحقیقات مقدماتی در خصوص اعمال مادی منتسب به متهم صورت گرفته و تقاضای مجازات آنها در کیفرخواست مطرح باشد. لذا تطبیق عمل ارتكابی با عنوان مجرمانه از وظایف دادگاه است. بنابراین محتمل است که عنوان مجرمانه مذکور در کیفرخواست به عنوان نمونه سرقت باشد ولی دادگاه عمل مرتکب را خیانت در امانت تلقی نماید. در این خصوص نیازی به اعاده پرونده به دادسرا برای تفهیم اتهام جدید و از سرگیری مجدد تحقیقات نمی‌باشد.

به موجب ماده ۳۶۳ ق.آ.د.ک: هر گاه در حین رسیدگی، جرم دیگری کشف شود که بدون شکایت شاکی قابل تعقیب باشد دادگاه بدون ایجاد وقفه در جریان رسیدگی حسب مورد، موضوع را به دادستان یا رئیس حوزه قضایی مربوط اعلام می‌کند. (ولیدی، ۱۳۷۱، ۱۵۸)

در پرونده که دارای متهم اصلی، شریک و معاون است و همه در دادگاه حاضرند، تحقیقات از متهم اصلی شروع می‌شود. همچنین هر گاه در پرونده‌ای متهمان متعدد باشند و یا متهم اصلی، شریک و معاون داشته باشد حتی اگر به یک یا چند نفر از آنان دسترسی نباشد دادگاه مکلف به رسیدگی و صدور رأی است مگر اینکه رسیدگی غیابی جایز نباشد و یا نسبت به برخی از متهمان به هر دلیل نتوان رأی صادر کرد. در این صورت دادگاه پرونده را نسبت به این متهمان مفتوح نگه می‌دارد. هر گاه رسیدگی به اتهامات متعدد موجب طولانی شدن جریان دادرسی شود دادگاه در مورد اتهاماتی که تحقیقات آنها کامل است مبادرت به رأی می‌نماید.

دادگاه برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم و شاهدهی که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست یا ناشنوا است یا قدرت تکلم ندارد حسب مورد مترجم مورد وثوق از بین مترجمان رسمی و در صورت عدم دسترسی به او مترجم مورد وثوق دیگری یا فرد مورد وثوقی که توانایی بیان مقصود او را از طریق اشاره یا وسایل فنی دیگر دارد به عنوان مترجم انتخاب می‌کند. مترجم باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانتداری را رعایت کند. عدم اتیان سوگند سبب عدم پذیرش ترجمه مترجم مورد وثوق نیست. چنانچه افراد ناشنوا یا فاقد قدرت تکلم قادر به نوشتن باشند منشی دادگاه سوال را برای آنان می‌نویسد تا بطور کتبی پاسخ دهند.

سرانجام پس از شروع محاکمه توسط دادگاه محاکمه تا صدور حکم استمرار دارد و چنانچه محاکمه به طول انجامد به قدر لزوم تنفس داده می‌شود.

- گفتنی است چنانچه دادستان به عنوان مدعی العموم راجع به جنبه عمومی یک جرم به لحاظ بیم تجری یا اخلال در نظم عمومی تقاضای کیفر' نموده باشد دادگاه کیفری مستقلاً حق ورود و رسیدگی به این امر را ندارد.

چنانچه دادگاه در جریان رسیدگی، احتمال دهد متهم حین ارتکاب جرم مجنون بوده است تحقیقات لازم را از نزدیکان او و سایر مطلعان به عمل می‌آورد، نظریه پزشکی قانونی را تحصیل می‌کند و با احراز جنون نسبت به اصل اتهام به صدور قرار موقوفی تعقیب مبادرت می‌کند و با رعایت اقدامات تامینی برای متهم تصمیم می‌گیرد.^{۱۱}

قبل از ختم دادرسی، چنانچه شاکی یا مدعی خصوصی راجع به موضوع شکایت مطلب جدید داشته باشد استماع می‌شود و دادستان یا نماینده وی نیز می‌تواند عقیده خود را اظهار کند. دادگاه مکلف است پیش از اعلام ختم دادرسی به متهم یا وکیل او اجازه دهد که آخرین دفاع خود را بیان کند. هر گاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع مطلبی اظهار کند که در کشف حقیقت موثر باشد دادگاه مکلف به رسیدگی است.^{۱۲} البته دادگاه پس از اعلام ختم رسیدگی نمی‌تواند لوایح، اسناد و مدارک جدید را دریافت کند.^{۱۳}

انشای رأی پس از استماع نظریات و مدافعات دادستان یا نماینده او وفق قانون بر عهده قاضی دادگاه است. قاضی دادگاه نباید پیش از اتمام رسیدگی و اعلام رأی در خصوص براءت یا مجرمیت متهم اظهار عقیده کند. البته اگر متهم بطور صریح اقرار به ارتکاب جرم کند بطوری که هیچگونه شک و شبهه‌ای در اقرار و نیز تردیدی در صحت و اختیاری بودن آن نباشد، دادگاه به استناد اقرار رأی صادر می‌کند.

مطابق حکم ماده ۳۷۴ ق.آ.د.ک دادگاه پس از اعلام ختم دادرسی با استعانت از خداوند متعال با تکیه بر شرف و وجدان و با توجه به محتویات پرونده و ادله موجود در همان جلسه و در صورت عدم امکان در اولین فرصت و حداکثر ظرف یک هفته به انشای رأی مبادرت می‌کند. رأی دادگاه باید مستدل موجه و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن صادر شده است. تخلف از صدور رأی در مهلت مقرر موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است. رأی دادگاه ممکن است حکم باشد یا قرار اگر رأی دادگاه راجع به ماهیت دعوا و کلاً یا جزئاً قاطع آن باشد حکم است و الا قرار نام دارد.

از جمله قرارهایی که در ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ به دادگاه اجازه صدور آن داده شده قرار تعویق صدور حکم منوط به وجود شرایطی است. هدف از پیش‌بینی امکان صدور قرار تعویق صدور حکم در حقوق کیفری ایران، جلوگیری هر چه بیشتر از الصاق برچسب مجرمیت به شهروندان ناقض قانون و تاثیرات سوء اجتماعی آن می‌باشد. به این سان تعویق صدور حکم به عنوان یکی از تدابیر اصلاح‌گرایانه مجرمان رابطه تنگاتنگی با آموزه‌های جرم‌شناسی داشته و تمایل به حمایت از مجرمان و اصلاح رفتار و اتخاذ تصمیمی مناسب با نیازهای جرم دارد. (مصدق، ۱۳۹۴، ۵۶)

به موجب ماده ۴۰ قانون یاد شده: در جرائم موجب تعزیر درجه شش تا هشت دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد: الف- وجود جهات تخفیف ب- پیش‌بینی اصلاح

- در مورد جرائم مشمول این ماده که مستلزم پرداخت دیه است طبق مقررات مواد ۲۹۲-۴۶۶ و ۴۶۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ رفتار خواهد شد.

- مطابق ماده ۱۸ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰: تخلف از قوانین موضوعه که در این قانون با سایر قرائن برای آن مجازات پیش‌بینی نشده است با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب مستلزم یکی از مجازاتهای انتظامی درجه دو تا پنج است.

- به نظر می‌رسد پرونده‌های حق الله اگر محتویات پرونده متضمن براءت متهم باشد دادگاه می‌تواند بدون اخذ آخرین دفاع، حکم بر براءت متهم را صادر نماید. نگاه کنید به ماده ۲۶۳ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲

- لازم به ذکر است دادگاه نمی‌تواند قرار تعویق صدور حکم را به صورت غیابی صادر کند!

مرتکب پ- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران ت- فقدان سابقه کیفری موثر. ^{۱۵} چنانچه متهم در بازداشت باشد دادگاه پس از صدور قرار تعویق صدور حکم، بلافاصله دستور آزادی وی را صادر می‌نماید. دادگاه می‌تواند در این مورد تامين مناسب اخذ نماید. در هر صورت اخذ تامين نباید به بازداشت مرتکب منتهی گردد.

در ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ تعویق صدور حکم به دو شکل ساده و مراقبتی پیش‌بینی شده است. در تعویق ساده مرتکب بطور کتبی متعهد می‌گردد در مدت تعیین شده به وسیله دادگاه مرتکب جرمی نشود و از نحوه رفتار وی پیش‌بینی شود که در آینده نیز مرتکب جرم نمی‌شود. در تعویق مراقبتی علاوه بر شرایط تعویق ساده مرتکب متعهد می‌گردد دستورهای و تدابیر مقرر شده به وسیله دادگاه را در مدت تعویق رعایت کند یا به موقع اجرا گذارد. از جمله: الف- حضور به موقع در زمان و مکان تعیین شده توسط مقام قضایی یا مددکار اجتماعی ناظر ب- ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل کننده نظارت بر اجرای تعهدات محکوم برای مددکار اجتماعی پ- اعلام هر گونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جا به جایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارائه گزارشی از آن به مددکار اجتماعی ت- کسب اجازه از مقام قضایی به منظور مسافرت به خارج از کشور. همچنین در تعویق مراقبتی دادگاه صادر کننده قرار می‌تواند با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او به نحوی که در زندگی وی یا خانواده‌اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند مرتکب را به اجرای یک یا چند مورد از دستورهای مندرج در ماده ۴۳ قانون یاد شده در مدت تعویق، ملزم نماید.

در مدت تعویق در صورت ارتكاب جرم موجب حد، قصاص، جنایات عمدی موجب ديه یا تعزیر تا درجه هفت، دادگاه به لغو قرار تعویق اقدام و حکم محکومیت صادر می‌کند.^{۱۶} در صورت عدم اجرای دستورهای دادگاه قاضی می‌تواند برای یک بار تا نصف مدت مقرر در قرار به مدت تعویق اضافه یا حکم محکومیت صادر کند. پس از گذشت مدت تعویق با توجه به میزان پایبندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه، گزارشهای مددکار اجتماع و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، مطابق ماده ۴۵ قانون مرقوم دادگاه حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می‌کند.

ناگفته نماند، مطابق ماده ۳۹ ق.م.ا ۱۳۹۲: در جرائم تعزیری درجه‌های هفت و هشت در صورت احراز جهات تخفیف چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب اصلاح می‌شود در صورت فقدان سابقه کیفری موثر و گذشت شاکي و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می‌تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند. (محمدی گیلانی، ۱۳۶۲، ۷۷)

بعد از صدور رأی، دادگاه باید در رأی خود حضوری یا غیابی بودن و قابلیت و اخواهی، تجدیدنظر و یا فرجام و مهلت و مرجع آن را قید کند. اگر رأی قابل و اخواهی تجدیدنظر یا فرجام باشد و دادگاه آن را غیرقابل و اخواهی، تجدیدنظر یا فرجام اعلام کند این امر مانع و اخواهی، تجدیدنظر یا فرجام خواهی نیست.

رأی دادگاه مطابق ماده ۳۷۸ ق.آ.د.ک باید حداکثر ظرف سه روز از تاریخ انشاء پاکتویس یا تایپ شود. این رأی که «دادنامه» خوانده می‌شود با نام خداوند متعال شروع و موارد زیر در آن درج می‌شود و به امضای دادرس (کیفری دو یا انقلاب با سیستم وحدت قاضی) یا دادرسان (در دادگاه کیفری یک یا انقلاب با سیستم تعدد قاضی) می‌رسد و به مهر شعبه ممهور می‌شود:

الف- شماره پرونده، شماره و تاریخ دادنامه و تاریخ رأی

ب- مشخصات دادگاه و قاضی یا قضات صادر کننده رأی و سمت ایشان

^{۱۵} - محکومیت موثر محکومیتی است که محکوم را به تبع اجرای حکم براساس ماده ۲۵ ق.م.ا از حقوق اجتماعی محروم می‌کند!

^{۱۶} - در صورت الغای قرار تعویق و صدور حکم محکومیت، صدور قرار تعلیق اجرای مجازات ممنوع است!

پ- مشخصات طرفین دعوی و وکلای آن

ت- گردشکار و متن کامل رأی

پیش از امضای دادنامه اعلام مفاد و تسلیم رونوشت یا تصویر آن ممنوع است. متخلف از این امر، حسب مورد به موجب حکم دادگاه انتظامی قضات یا هیأت رسیدگی به تخلفات اداری به سه ماه تا یکسال انفصال از خدمات دولتی محکوم می‌شود. دادنامه به طرفین یا وکیل آنان و دادستان ابلاغ می‌شود و در صورتی که رأی دادگاه حضوری به طرفین ابلاغ شود. دادن نسخه‌ای از رأی یا تصویر مصدق آن به طرفین الزامی است. در این صورت، ابلاغ مجدد ضرورت ندارد. مدیر دفتر دادگاه مکلف است حداکثر ظرف سه روز پس از امضای دادنامه آن را برای ابلاغ ارسال نماید.^{۱۷} هر گاه در تنظیم و نوشتن رأی دادگاه سهوقلمی مانند کم یا زیاد شدن کلمه‌ای رخ دهد و یا اشتباهی در محاسبه صورت گیرد چنانچه رأی قطعی باشد یا به علت عدم تجدیدنظر خواهی و انقضای مواعد قانونی، قطعی شود یا هنوز از آن تجدید نظر خواهی نشده باشد دادگاه خود یا به درخواست ذینفع یا دادستان رأی تصحیحی صادر می‌کند. رأی تصحیحی نیز ابلاغ می‌شود. تسلیم رونوشت یا تصویر هر یک از آراء جداگانه ممنوع است. رأی دادگاه در قسمتی که مورد اشتباه نیست در صورت قطعیت اجرا می‌شود.

در مواردی که اصل رأی دادگاه قابل واخواهی، تجدیدنظر یا فرجام است تصحیح آن نیز در مدت قانونی، قابل واخواهی، تجدیدنظر یا فرجام می‌باشد. البته اگر رأی اصلی به واسطه واخواهی، تجدیدنظر یا فرجام نقض شود رأی تصحیحی نیز بی‌اعتبار می‌شود.

بعلاوه هر گاه رأی بر برائت، منع یا موقوفی تعقیب و یا تعلیق اجرای مجازات صادر شود و متهم در بازداشت باشد مطابق ماده ۳۷۶ قانون مذکور بلافاصله به دستور دادگاه آزاد می‌شود. هر گاه رأی بر برائت منع یا موقوفی تعقیب و یا تعلیق اجرای مجازات صادر شود و متهم در بازداشت باشد بلافاصله به دستور دادگاه آزاد می‌شود. بر همین منوال، هر گاه متهم با صدور قرار تامین در بازداشت باشد و به موجب حکم غیرقطعی به حبس، شلاق تعزیری و یا جزای نقدی محکوم شود، مقام قضایی که پرونده تحت نظر او است باید با احتساب ایام بازداشت قبلی مراتب را به زندان اعلام کند تا وی بیش از میزان محکومیت در زندان نماید.

گفتار سوم: دادگاه کیفری ۱ و سایر دادگاههای مشابه^{۱۸}

از طرفی دادگاه کیفری یک با حضور رئیس و دو مستشار و در غیاب رئیس با حضور سه مستشار تشکیل می‌شود. در این وضعیت وضعیت ریاست دادگاه به عهده عضو مستشاری است که سابقه قضایی بیشتری دارد. همچنین با انتخاب رئیس کل دادگستری استان، عضویت مستشاران دادگاههای تجدیدنظر در دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌کند بلامانع است.

- در جرائم منافی عفت، چنانچه دادنامه حاوی مطالبی باشد که اطلاع شاکي از آن حرام است و همچنین در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی^{۱۷} کشور ابلاغ دادنامه حضوری بوده و ذی نفع می‌تواند از مفاد کامل رأی اطلاع یافته و از آن استنساخ نماید.

- منظور از دادگاههای مشابه دادگاه انقلاب با سیستم تعدد قاضی همچنین دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان و دادگاه نظامی یک می‌باشد منتها چون^{۱۸} دادگاه نظامی و دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان از برخی کیفیات دادرسی افتراقی برخوردارند لذت بطور مستقل به آنها پرداخته شده است.

بعلاوه محل تشکیل دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب در مرکز استان و به تشخیص رئیس قوه قضاییه در حوزه قضایی شهرستانها است. در حوزه‌هایی که این دادگاهها تشکیل نشده به جرائم موضوع صلاحیت آن در نزدیکترین دادگاه کیفری یک یا دادگاه انقلاب در حوزه قضایی آن استان رسیدگی می‌شود.

از طرف دیگر، دادگاه انقلاب برای رسیدگی به جرائم موجب مجازات مندرج در بندهای (الف، ب، پ و ت) ماده ۳۰۲ این قانون با حضور رئیس و دو مستشار تشکیل می‌شود. مقررات دادرسی دادگاه کیفری یک به شرح مندرج در این قانون در دادگاه انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌کند جاری است.

به این ترتیب، در تمامی جلسات دادگاه کیفری یک همچنین دادگاه انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌کند، حضور دادستان یا نماینده او الزامی است لکن عدم حضور این اشخاص موجب توقف رسیدگی نمی‌شود مگر آنکه دادگاه حضور آنان را الزامی بداند.

ترتیب رسیدگی در دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب با تعدد قاضی از دو قسمت تشکیل شده است. قسمت اول انجام اقدامات مقدماتی برای ورود به مرحله رسیدگی و قسمت دوم شامل کیفیات و ترتیب رسیدگی است.

الف) اقدامات ناظر بر تشکیل جلسه مقدماتی

ماده ۳۸۲ ق.آ.د.ک مقرر می‌دارد: دادگاه کیفری یک فقط در صورت صدور کیفرخواست و در حدود آن مبادرت به رسیدگی و صدور رأی می‌کند مگر در جرائمی که مطابق قانون لزوماً بطور مستقیم در دادگاه کیفری یک مورد رسیدگی واقع می‌شود. در این صورت انجام تحقیقات مقدماتی مطابق مقررات بر عهده دادگاه کیفری یک است. به علاوه در مواردی که پرونده بطور مستقیم در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود پس از پایان جرم به متهم وجود نداشته باشد و یابه جهات قانونی دیگر متهم قابل تعقیب نباشد، دادگاه حسب مورد قرار منع یا موقوفی تعقیب و در غیر این صورت قرار رسیدگی صادر می‌کند. (گرجی، ۱۳۶۵، ۵۲)

پس از ارجاع پرونده به دادگاه کیفری یک، در جرائم موضوع بندهای (الف، ب، پ و ت) ماده ۳۰۲ این قانون و یا پس از صدور قرار رسیدگی در مواردی که پرونده بطور مستقیم در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود هر گاه متهم وکیل معرفی نکرده باشد مدیر دفتر دادگاه ظرف پنج روز به او اخطار می‌کند که وکیل خود را حداکثر تا ده روز پس ابلاغ به دادگاه معرفی کند. چنانچه متهم وکیل خود را معرفی نکند مدیر دفتر، پرونده را نزد رئیس دادگاه ارسال می‌کند تا طبق مقررات برای متهم وکیل تسخیری تعیین شود.

ماده ۳۴۸ قانون مذکور در همین زمینه مقرر داشته: در جرائم موضوع بندهای (الف، ب، پ و ت) ماده ۳۰۲ این قانون جلسه رسیدگی بدون حضور وکیل متهم تشکیل نمی‌شود. چنانچه متهم، خود وکیل معرفی نکند یا وکیل او بدون اعلام عذر موجه در دادگاه حاضر نشود تعیین وکیل تسخیری الزامی است و چنانچه وکیل تسخیری بدون اعلام عذر موجه در جلسه رسیدگی حاضر نشود دادگاه ضمن عزل او، وکیل تسخیری دیگری تعیین می‌کند. حق الوکاله وکیل تسخیری از محل اعتبارات قوه قضاییه پرداخت می‌شود.

در دادگاه کیفری یک و انقلاب با سیستم تعدد قاضی هر یک از طرفین می‌تواند حداکثر سه وکیل به دادگاه معرفی کند. در صورتی که هر یک از اصحاب دعوی وکلای متعدد داشته باشد، حضور یکی از آنان برای تشکیل جلسه دادگاه کافی است. ناگفته نماند استعفای وکیل تعیینی یا عزل وکیل پس از تشکیل جلسه رسیدگی پذیرفته نمی‌شود.

پس از تعیین وکیل، مدیر دفتر بلافاصله به متهم و وکیل او و حسب مورد به شاکی یا مدعی خصوصی یا وکیل آنان اخطار می‌کند تا تمام ایرادها و اعتراض‌های خود را ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ تسلیم کنند. تجدید مهلت به تقاضای متهم یا وکیل او برای یک نوبت و به مدت ده روز از تاریخ اتمام مهلت قبلی به تشخیص دادگاه بلامانع است. (مصدق، ۱۳۹۳، ۱۰۲)

مطابق ماده ۳۸۸ قانون مزبور متهم و شاکی یا مدعی خصوصی یا وکلای آنان باید تمام ایرادها و اعتراض‌های خود از قبیل مرور زمان، عدم صلاحیت رد دادرسی یا قابل تعقیب نبودن عمل انتسابی، نقص تحقیقات و لزوم رسیدگی به ادله دیگر یا ادله جدید و کافی نبودن ادله را ظرف مهلت مقرر به دفتر دادگاه تسلیم کنند. پس از اتمام مدت مذکور هیچ ایرادی از طرف اشخاص مزبور پذیرفته نمی‌شود مگر آنکه جهت ایراد پس از مهلت، کشف و یا حادث شود. در هر حال، طرح پرونده در جلسه مقدماتی دادگاه پیش از اتمام مهلت ممنوع است. (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۶، ۱۸۷)

پس از اتمام مهلت اعم از آنکه ایراد و اعتراضی واصل شده یا نشده باشد مدیر دفتر، پرونده را به دادگاه ارسال می‌کند. رئیس دادگاه پرونده را شخصاً بررسی و گزارش جامع آن را تنظیم و یا به نوبت به یکی از اعضای دادگاه ارجاع می‌کند عفو مذکور حداکثر ظرف ۱۰ روز، گزارش مبسوط راجع به اتهام و ادله و جریان پرونده را تهیه و تقدیم رئیس می‌کند. دادگاه به محض وصول گزارش، جلسه مقدماتی اداری را تشکیل می‌دهد. دادگاه می‌تواند در صورت ضرورت دادستان یا نماینده او، شاکی یا مدعی خصوصی یا متهم و یا وکلای آنان را برای حضور در جلسه مقدماتی دعوت کند.

در جلسه مقدماتی با توجه به مفاد گزارش و اوراق پرونده و ایرادها و اعتراض‌های اصحاب دعوی به شرح زیر اقدام می‌کند.

الف- در صورتی که تحقیقات ناقص باشد، قرار رفع نقص صادر می‌کند و پرونده را نزد دادرسی صادر کننده کیفرخواست می‌فرستد تا پس از انجام دستور دادگاه آن را بدون اظهار نظر اعاده کند.

ب- هر گاه موضوع، خارج از صلاحیت دادگاه باشد، قرار عدم صلاحیت صادر می‌کند. یادآوری می‌شود دادگاه کیفری یک با رعایت صلاحیت ذاتی پس از شروع به رسیدگی نمی‌تواند قرار عدم صلاحیت صادر کند و به هر حال باید رأی مقتضی را صادر نماید.

پ- در صورتی که به دلیل شمول مرور زمان، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی و یا جهات قانونی دیگر متهم قابل تعقیب نباشد قرار موقوفی تعقیب صادر می‌کند. در این صورت چنانچه متهم زندانی باشد به دستور دادگاه فوری آزاد می‌شود.

قرار عدم صلاحیتی از طرف دادستان و قرار موقوفی تعقیب صادره در بند پ ماده مذکور از طرف دادستان و شاکی یا مدعی خصوصی قابل تجدیدنظر در دیوان عالی کشور است. در صورت نقض این قرار پرونده برای طرح مجدد در جلسه مقدماتی و انجام سایر وظایف به دادگاه کیفری یک اعاده می‌شود.

ایرادی که به مقنن وارد است اینکه با چه مبنایی در خصوص قرار عدم صلاحیت (رأساً) یا ایراد عدم صلاحیت از سوی طرفین دعوا یا وکلای آنها حق اعتراض پیش‌بینی نکرده است!

اگر دادگاه در جلسه مقدماتی پرونده را کامل و قابل طرح برای دادرسی تشخیص دهد. بلافاصله دستور تعیین وقت رسیدگی و احضار تمام اشخاصی را که حضورشان ضروری است صادر می‌کند. بعلاوه چنانچه در جرائم موضوع بندهای (ال، ب، پ و ت) ماده ۳۰۲ این قانون دادگاه جلب بدون احضار متهم را برای محاکمه لازم بداند دستور جلب وی را برای روز محاکمه صادر می‌کند.

اگر متهم متواری باشد یا دسترسی به وی امکان نداشته باشد و احضار و جلب او برای تعیین وکیل یا انجام تشریفات راجع به تشکیل جلسه مقدماتی یا دادرسی مقدور نباشد و دادگاه حضور متهم را برای دادرسی ضروری تشخیص ندهد،^۱ به تشکیل جلسه مقدماتی مبادرت می‌ورزد و در غیاب متهم اقدام به رسیدگی می‌کند مگر آنکه دادستان احضار متهم را ممکن بداند که در این صورت دادگاه پس از تقاضای دادستان مهلت مناسبی برای احضار یا جلب متهم به وی می‌دهد. مهلت مذکور نباید بیشتر از پانزده روز باشد. (گرگی، ۱۳۶۵، ۱۴۷)

اگر متهم غایب باشد یا متهمان متعدد و بعضی از آنان متواری باشند، دادگاه نسبت به متهمان حاضر شروع به رسیدگی می‌نماید و در مورد غایبان اگر دادگاه بخواهد رسیدگی غیابی کند باید از قبل قرار رسیدگی غیابی صادر کند. در این قرار، موضوع اتهام و وقت دادرسی و نتیجه عدم حضور قید و مراتب دو نوبت به فاصله ده روز در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار ملی یا محلی آگهی می‌شود. فاصله بین تاریخ آخرین آگهی و وقت دادرسی نباید کمتر از یک ماه باشد. مدیر دفتر دادگاه مکلف است پس از وصول پرونده به دفتر حداکثر ظرف دو روز، وقت رسیدگی تعیین و مطابق دستور دادگاه اقدام کند. در هر مورد که دادگاه باید با حضور هیات منصفه تشکیل شود، اعضای هیات منصفه نیز طبق مقررات دعوت می‌شوند.

ب) ترتیبات رسیدگی و رأی

مطابق ماده ۳۹۵ ق.آ.د.ک: در دادگاه کیفری یک و نیز در تمامی مواردی که رسیدگی دادگاه انقلاب با قضات متعدد پیش‌بینی شده است، رأی اکثریت تمام اعضاء ملاک است. نظر اقلیت باید بطور مستدل در پرونده درج شود. اگر نظر اکثریت به شرح فوق حاصل نشود یک عضو مستشار دیگر توسط مقام ارجاع اضافه می‌شود.

مطابق ماده ۴۰۳ این قانون: دادگاه کیفری یک با رعایت صلاحیت ذاتی، پس از شروع به رسیدگی نمی‌تواند قرار عدم صلاحیت صادر کند و به هر حال باید رأی مقتضی را صادر نماید.

ناگفته پیداست که حکم ماده مذکور منصرف از جرایم در صلاحیت دادگاه انقلاب و دیگر دادگاههای اختصاصی است و در حقیقت این ماده در مقام بیان منع دادگاه کیفری یک پس از شروع به رسیدگی از قرار عدم صلاحیت به نفع دادگاه کیفری ۲ می‌باشد. رئیس دادگاه پس از تشکیل جلسه و اعلام رسیدگی آن ابتدا در مورد متهم به شرح مواد ۱۹۳ و ۱۹۴ این قانون اقدام و سپس به وی اخطار می‌کند در موقع محاکمه مواظب گفتار خود باشد و پس از آن به دیگر اشخاصی که در محاکمه شرکت دارند نیز اخطار می‌کند مطالبی برخلاف حقیقت، وجدان، قوانین، ادب و نزاکت اظهار نکنند. پس از آن دادستان یا نماینده او کیفرخواست و منشی دادگاه، دادخواست مدعی خصوصی را قرائت می‌کند. سپس رئیس دادگاه موضوع اتهام و تمام ادله آن را به متهم تفهیم و شروع به رسیدگی می‌نماید.

یادآوری می‌شود محاکمات دادگاه کیفری یک ضبط صوتی و در صورت تشخیص دادگاه، ضبط تصویری نیز می‌شود. البته انتشار آنها ممنوع و استفاده از آنها نیز منوط به اجازه دادگاه است.

- با توجه به تبصره ماده ۴۰۶ ق.آ.د.ک اگر دادگاه در جرائمی که فقط جنبه حق الهی دارند، حضور متهم را برای دادرسی ضروری تشخیص دهد^۱ تشکیل جلسه مقدماتی یا رسیدگی منتفی است.

- مطابق ماده ۳۰۵ این قانون به جرائم سیاسی و مطبوعاتی با رعایت ماده ۳۵۲ این قانون بطور علنی در دادگاه کیفری یک مرکز استان محل وقوع جرم^۲ ب حضور هیات منصفه رسیدگی می‌شود.

قضات دادگاه کیفری یک می‌توانند با اجازه رئیس دادگاه از طرفین و وکلای آنان، شهود، اهل خبره و دادستان پرسش کنند. بعلاوه هر گه دادستان، متهم، شاکی، مدعی خصوصی یا وکلای آنان تحقیق از اشخاص حاضر در دادگاه را درخواست کنند دادگاه در صورت ضرورت از آنان تحقیق می‌کند هر چند از قبل احضار نشده باشند.

پس از قرائت کیفرخواست^۱ و استماع اظهارات دادستان و سپس شاکی و متهم و تحقیق از شهود و کارشناسان وفق ماده ۳۵۹ این قانون اگر دادستان بار دیگر اجازه صحبت بخواهد به متهم، شاکی، مدعی خصوصی یا وکلای آنان نیز اجازه صحبت داده می‌شود.

پیش از اعلام ختم رسیدگی رئیس دادگاه یکبار دیگر به متهم یا وکیل او اجازه صحبت می‌دهد آخرین دفاع را از متهم یا وکیل وی اخذ و سپس رسیدگی را ختم می‌کند. هر گاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع مطلبی اظهار کند که در کشف حقیقت موثر باشد دادگاه مکلف به رسیدگی است.

پس از ختم رسیدگی اعضای هر دادگاه همچنین در موارد مقرر قانونی (پرونده‌های جرایم سیاسی و مطبوعاتی) اعضای هیات منصفه تا صدور رأی و اعلام آن در جلسه علنی نباید متفرق شوند.

مطابق ماده ۴۰۴ ق.آ.د.ک: اعضای دادگاه پس از اعلام ختم رسیدگی با استعانت از خداوند متعال، تکیه بر شرف و وجدان و با توجه به محتویات پرونده مشاوره می‌نمایند و در همان جلسه و در صورت عدم امکان، در اولین فرصت و حداکثر ظرف مدت یک هفته مبادرت به صدور رأی می‌کنند. به این سان، پس از ختم رسیدگی چنانچه نظر به صدور رأی در همان جلسه باشد اعضای دادگاه تا صدور رأی و اعلام آن در جلسه علنی نباید متفرق شوند. این حکم در مورد اعضای هیأت منصفه نیز جاری است.

در صورتی که بین اعضای دادگاه اتفاق نظر حاصل نشود رأی اکثریت معتبر است. در همین رابطه ماده ۳۹۵ مقرر داشته: در دادگاه کیفری یک و نیز در تمام مواردی که رسیدگی مرجع قضایی با قضات متعدد پیش‌بینی شده باشد، رأی اکثریت تمام اعضاء ملاک است. نظر اقلیت باید بطور مستدل در پرونده درج شود. اگر نظر اکثریت به شرح فوق حاصل نشود یک عضو مستشار دیگر توسط مقام ارجاع اضافه می‌شود. (فیض، ۱۳۷۳، ۱۵۴)

به موجب ماده ۴۰۵ ق.آ.د.ک: سایر ترتیبات رسیدگی در دادگاه کیفری یک همان است که برای سایر دادگاههای کیفری مقرر گردیده است.

مبحث دوم: دادگاههای کیفری و تعدد قاضی

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ توجه زیادی به تعدد قاضی در دادگاههای کیفری داشته و این موضوع را در دادگاههای کیفری یک، نظامی یک و انقلاب پیش‌بینی کرده است.

- در مواردی که به جرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری یک در خارج از حوزه قضایی محل وقوع جرم رسیدگی می‌شود تمام وظایف و اختیارات^۲ دادسرا از جمله شرکت در جلسه محاکمه و دفاع از کیفرخواست بر عهده دادرسی محل وقوع جرم است.

گفتار اول: تعدد قاضی در دادگاه کیفری یک

دادگاه کیفری یک دارای رئیس و دو مستشار است که با حضور دو عضو نیز رسمیت می‌یابد. در صورت عدم حضور رئیس، ریاست دادگاه به عهده عضو مستشاری است که سابقه قضایی بیشتری دارد.^{۲۲}

دادگاه کیفری یک در مرکز استان و به تشخیص رئیس قوه قضاییه در حوزه قضایی شهرستانها تشکیل می‌شود. در حوزه‌هایی که این دادگاه تشکیل نشده است به جرایم موضوع صلاحیت آن در نزدیکترین دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی آن استان رسیدگی می‌شود.^{۲۳}

دادرسی علی‌البدل صب مورد می‌تواند به جای رئیس یا مستشار انجام وظیفه کند. دادگاههای کیفری استان و عمومی جزایی موجود به ترتیب به دادگاههای کیفری یک و دو تبدیل می‌شوند. جرایمی که تا تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون در دادگاه ثبت شده است از نظر صلاحیت رسیدگی تابع مقررات زمان ثبت است و سایر مقررات رسیدگی طبق این قانون در همان شعب مرتبط انجام می‌شود. این تبصره در مورد دادگاه انقلاب و دادگاههای نظامی نیز جاری است.^{۲۴}

پرسش: چنانچه پرونده‌ای پیش از لازم‌الاجرا شدن قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به دادگاه عمومی جزایی ارجع شود، پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون که دادگاه کیفری ۲ جایگزین دادگاه عمومی جزایی خواهد شد در مورد پرونده‌هایی که براساس این قانون در صلاحیت کیفری یک می‌باشد ولی براساس تبصره ۳ ماده ۲۹۶ الزاماً در این شعبه باید رسیدگی شود دادگاه کیفری ۲ با چند قاضی رسیدگی خواهد نمود؟

پاسخ: به نظر می‌رسد دادگاه کیفری ۲ به همه این پرونده‌ها با یک قاضی رسیدگی خواهد کرد. زیرا براساس تبصره ۳ ماده ۲۹۶ جرایمی که تا تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون در دادگاه ثبت شده است، از نظر صلاحیت رسیدگی تابع مقررات زمان ثبت است و موضوع تعدد قاضی از فروعیات مربوط به صلاحیت می‌باشد در نتیجه این پرونده‌ها در همان شعبه با یک قاضی رسیدگی می‌شود.

پرسش: با لازم‌الاجرا شدن قانون در تاریخ ۱۳۹۴/۴/۱ تکلیف دادرسی در مورد پرونده‌هایی که براساس این قانون باید بطور مستقیم در دادگاه مطرح شود چیست؟ به عنوان مثال در مورد پرونده‌های مربوط به مجازاتهای درجه‌های ۷ و ۸ که قبل از لازم‌الاجرا شدن این قانون در دادسرا ثبت شده است تکلیف دادرسی چیست؟ آیا با توجه به تاریخ ثبت پرونده‌ها دادسرا همچنان به تحقیقات خود ادامه دهد یا با وضعیت فعلی پرونده‌ها را به دادگاه ارسال نمایند؟

پاسخ: براساس بند الف ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قوانین مربوط به تشکیلات قضایی و صلاحیت، نسبت به جرایم سابق بر وضع قانون فوراً اجرا می‌شود و تنها استثناء از این قاعده آمره، موضوع تبصره ۳ ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ می‌باشد که مربوط به دادگاهها است. بنابراین در فرض سوال پرونده‌های مربوط به درجه‌های ۷ و ۸ باید جهت ادامه تحقیقات و رسیدگی به دادگاه ارسال شوند مگر اینکه کسی معتقد باشد که براساس اصول حقوقی، دادسرا در معیت دادگاه صالح انجام وظیفه می‌کند و در صلاحیت تابع دادگاه است در نتیجه با استفاده از تبصره ۳ ماده ۲۹۶ قانون مذکور دادسرا نیز همانند دادگاه به پرونده‌هایی که قبل از لازم‌الاجرا شدن قانون ثبت شده است رسیدگی می‌نماید. (کیان، ۱۳۹۳، ۴۵)

- ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)

- تبصره یک همان ماده

- تبصره ۳ همان ماده

پرسش: در مورد پرونده‌هایی که قبل از تاریخ ۱۳۹۴/۴/۱ در دادگاه تجدیدنظر مطرح رسیدگی بوده از قبیل پرونده‌های مربوط به درجه‌های ۱ و ۲ و ۳ این دادگاه چه تصمیمی باید بگیرد آیا همچنان رسیدگی نماید یا به دیوان عالی کشور ارسال نماید؟ پاسخ: به نظر می‌رسد براساس بند الف ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این گونه پرونده‌ها باید به دیوان عالی کشور ارسال شود.

پرسش: پرونده‌هایی که در دادگاه انقلاب رسیدگی شده و رأی صادره براساس قانون حاکم وقت قطعی بوده ولیکن براساس قانون جدید قابل تجدید نظر می‌باشد و در تاریخ ۱۳۹۴/۴/۱ هنوز اجرا نشده است چیست؟ پاسخ: رعایت اصول حقوقی و تفسیر به نفع متهم اقتضا می‌کند که در اجرای ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با اعتراض متهم به دادگاه تجدیدنظر ارسال گردد.

پرسش: پرونده‌هایی که در اجرای ماده ۳۲ قانون مبارزه با مواد مخدر و روانگردان مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام با اصلاحات و الحاقات بعدی به دیوان عالی کشور یا دادستانی کل کشور ارسال شده و تا تاریخ لازم الاجرا شدن قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ هنوز مورد رسیدگی واقع نشده است، با توجه به قانون جدید آیین دادی کیفری تکلیف این پرونده‌ها چیست؟

پاسخ: به نظر می‌رسد رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور از تاریخ ۱۳۹۴/۴/۱ صلاحیت رسیدگی به این گونه پرونده‌ها را ندارند از این تاریخ به بعد باید براساس قانون جدید عمل شود. در تمامی جلسات دادگاه کیفری یک، حضور دادستان یا نماینده‌ی او الزامی است لیکن عدم حضور وی موجب توقف رسیدگی نمی‌شود مگر آنکه دادگاه حضور آنان را الزامی بداند.

رئیس کل دادگستری استان می‌تواند از مستشاران دادگاه‌های تجدیدنظر در دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب نیز استفاده کند و نیازی به صدور ابلاغ جدید از سوی رئیس قوه قضاییه نیست. ولی به نظر می‌رسد استفاده از رؤسای دادگاه‌های تجدیدنظر در دادگاه کیفری یک و انقلاب و نیز استفاده از قضات دادگاه کیفری یک و انقلاب به عنوان مستشاران دادگاه‌های تجدیدنظر بدون ابلاغ رئیس قوه قضاییه وجه قانونی نداشته باشد.

گفتار دوم: تعدد قاضی در دادگاه کیفری دو

در رسیدگی دادگاه کیفری دو، تعدد قاضی پیش‌بینی نشده است و برابر ماده ۲۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه کیفری دو با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل در حوزه قضایی هر شهرستان تشکیل می‌شود. در تمامی جلسات دادگاه کیفری دو، دادستان یا معاون او یا یکی از دادیاران به تعیین دادستان می‌توانند برای دفاع از کیفرخواست حضور یابند مگر اینکه دادگاه حضور این اشخاص را ضروری تشخیص دهد^{۲۵} که در این صورت حضور آنان الزامی خواهد بود. به عبارت دیگر حضور دادستان یا نماینده وی در جلسات دادگاه کیفری دو الزامی نیست مگر اینکه دادگاه حضور آنان را ضروری تشخیص دهد. در عین حال دادگاه در هیچ صورتی نمی‌تواند مانع حضور دادستان یا نماینده وی در جلسه دادگاه شود.

۲۵ - ماده ۳۰۰ همان قانون

گفتار سوم: تعدد قاضی در دادگاه انقلاب

دادگاه انقلاب در مرکز هر استان و به تشخیص رئیس قوه قضاییه در حوزه قضایی شهرستانها تشکیل می‌شود این دادگاه برای رسیدگی به جرایم موجب مجازات سلب حیات، حبس ابد، قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دپه کامل یا بیش از آن و نیز جرایم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر دارای رئیس و دو مستشار است که با دو عضو نیز رسمیت دارد. دادگاه برای رسیدگی به سایر موضوعات با حضور رئیس یا دادرسی علی‌البدل یا یک مستشار تشکیل می‌شود.^{۲۶}

در خصوص دادگاه انقلاب چند نکته به شرح زیر قابل توجه است:

نکته‌ی اول: دادگاه انقلاب حسب مورد با حضور یک یا سه قاضی تشکیل می‌شود و در صورت تعدد قاضی، جلسه دادگاه با حضور دو عضو رسمیت پیدا می‌کند.
نکته‌ی دوم: مقررات دادرسی دادگاه کیفری یک به شرح مندرج در این قانون از جمله حضور دادستان یا نماینده‌ی وی در جلسات دادگاه در مواردی که دادگاه انقلاب با تعدد قاضی رسیدگی می‌کند نیز جاری است.^{۲۷}

گفتار چهارم: تعدد قاضی در دادگاه اطفال و نوجوانان

دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و یک مشاور تشکیل می‌شود و نظر مشاور در این خصوص مشورتی است و لذا نظر وی برای قاضی دادگاه لازم‌الاتباع نیست. در عین حال بدون حضور ایشان جلسه دادگاه رسمیت ندارد.^{۲۸} چنانچه نوجوانان، مرتکب یکی از جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک شوند و همچنین در صورتی که مرتکب یکی از جرایمی شوند که در دادگاه انقلاب با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود برابر ماده ۳۱۵^{۲۹} به جرایم آنان در دادگاه کیفری یک ویژه‌ی رسیدگی به جرایم نوجوانان رسیدگی می‌شود و متهم از کلیه‌ی امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود بهره‌مند می‌گردد.

در خصوص دادگاه اطفال و نوجوانان، نکات ذیل قابل توجه است:

نکته‌ی اول: دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و دادگاه کیفری یک ویژه‌ی نوجوانان با حضور سه قاضی تشکیل می‌شود و جلسه دادگاه با حضور دو عضو رسمیت می‌یابد.

- ماده ۲۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

- تبصره ماده ۲۹۷ همان قانون: مقررات دادرسی دادگاه کیفری یک به شرح مندرج در این قانون در دادگاه انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی^{۲۷} رسیدگی می‌کند جاری است.

- ماده ۲۹۸ همان قانون: دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و یک مشاور تشکیل می‌شود نظر مشاور مشورتی است.^{۲۸}

- ماده ۳۱۵ همان قانون: جرایم موجب مجازات ماده ۳۰۲ این قانون اگر توسط افراد بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی ارتکاب یابد در دادگاه کیفری یک^{۲۹} ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان رسیدگی و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود بهره‌مند می‌گردد.

نکته‌ی دوم: برای رسیدگی به جرایم نوجوانان در دادگاه کیفری یک ویژه‌ی رسیدگی به جرایم آنان حضور مشاوران با رعایت شرایط مقرر در این قانون الزامی است.^{۳۰}

نکته‌ی سوم: در هر حوزه‌ی قضایی شهرستان یک یا چند شعبه دادگاه نوجوانان برحسب نیاز تشکیل می‌شود. تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است به کلیه جرایم اطفال و نوجوانان به جز جرایم مشمول ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می‌دهد، رسیدگی می‌شود.^{۳۱}

نکته‌ی چهارم: چنانچه نوجوانان مرتکب جرایمی شوند که در دادگاه انقلاب با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود برابر ماده ۳۱۵^{۳۲} همین قانون به جرایم آنان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان رسیدگی می‌شود و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد. (ساولانی، ۱۳۹۴، ص ۹۶)

گفتار پنجم: تعدد قاضی در دادگاه نظامی

ویژگی‌های رسیدگی در دادگاههای نظامی، در بخش هشتم قانون آیین دادرسی کیفری با عنوان آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح که در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۸ به تصویب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی رسیده و به قانون آیین دادرسی الحاق گردیده آمده است.

به موجب ماده ۵۸۲ دادگاههای نظامی که به موجب این قانون تشکیل می‌شوند عبارتند از:

الف) دادگاه نظامی دو

ب) دادگاه نظامی یک

پ) دادگاه تجدیدنظر نظامی

ت) دادگاه نظامی دو زمان جنگ

ث) دادگاه نظامی یک زمان جنگ

ج) دادگاه تجدید نظر نظامی زمان جنگ

برابر ماده ۵۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری وظایف، اختیارات، صلاحیت و تعداد اعضای دادگاههای نظامی دو، نظامی یک و تجدیدنظر نظامی همان است که در مورد دادگاههای کیفری دو، کیفری یک و تجدیدنظر استان مقرر شده است مگر مواردی که در این بخش به نحو دیگری درباره آن تعیین تکلیف شود.

- تبصره ۲ ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: حضور مشاوران با رعایت شرایط مقرر در این قانون برای رسیدگی به جرایم نوجوانان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم آنان الزامی است.

- تبصره ماده ۲۹۸ همان قانون: در هر حوزه قضایی شهرستان یک یا چند شعبه دادگاه اطفال و نوجوانان برحسب نیاز تشکیل می‌ود. تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است به کلیه جرایم اطفال و نوجوانان به جز جرایم مشمول ماده ۳۱۵ این قانون در دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می‌دهد رسیدگی می‌شود.

- ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: جرایم موجب مجازات ماده ۳۰۲ این قانون اگر توسط افراد بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی ارتکاب یابد در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان رسیدگی و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود بهره‌مند می‌گردد.

همچنین به موجب ماده ۵۹۰: در زمان جنگ دادگاههای نظامی زمان جنگ با تصویب رئیس قوه قضائیه، به تعداد مورد نیاز و به منظور رسیدگی به جرایم مربوط به جنگ با رعایت ماده ۵۹۱ قانون در محل قرارگاه‌های عملیاتی مراکز استانها یا سایر مناطق مورد نیاز تشکیل می‌شود.

تبصره ۱- حوزه قضایی دادگاههای نظامی زمان جنگ، حسب مقتضیات و شرایط جنگی با تصویب رئیس قوه قضائیه تعیین می‌شود.

تبصره ۲- دادگاههای نظامی دو، نظامی یک و تجدید نظر نظامی تا هنگام تشکیل دادگاههای نظامی زمان جنگ، حسب مورد برابر مقررات دادرسی زمان جنگ، به جرایم مربوط به جنگ رسیدگی می‌کنند.

ترکیب، صلاحیت و آیین دادرسی دادسرا و دادگاههای نظامی زمان جنگ به ترتیب تعیین شده برای سایر دادگاههای نظامی است مگر آنکه در این قانون به نحو دیگری مقرر شود.^{۳۳}

نتیجه اینکه تعدد قضا در دادگاههای نظامی یک و دو و دادگاههای نظامی زمان جنگ همانند دادگاههای کیفری یک و دو می‌باشد.

نتیجه گیری

با توجه به مطالب چنین نتیجه گیری نمود که در خصوص قضاوت که از مهمترین امور اجتماعی است و دارای اثرات بسیار در مسائل شخصی، مالی و عرضی اشخاص است، لزوم مشاوره بیشتر محسوس است. از طرفی باید مشورت شود و از طرفی دیگر نظری که در اثر مشورت تبلور می یابد به نحوی جنبه الزام آور داشته باشد، زیرا اولاً هریک از اعضای هیأت قضا، با احساس مسئولیت به بررسی امر پرداخته و از روی دقت نظری ارائه دهند و ثانیاً مانع از نفوذ ناروا بر یک شخص شوند چرا که قضاوت متعدد باشند. اعمال نفوذ اگر ممکن نباشد لاقلاً خیلی مشکل و بسیار استثنایی خواهد بود.

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی تا قبل از پیروز انقلاب، دادگاه های جنایی و استان، دیوان کیفری، کارکنان دولت و محاکم نظامی با روش تعدد قاضی دادگاه های جنحه و خلاف و دادگاه اطفال بزهکار با روش وحدت قاضی تشکیل می شد.

قانون تشکیل دادگاه های عمومی مصوب شورای انقلاب نیز روش تعدد قاضی را مقرر کرده بود و حتی دادگاه های انقلاب نیز در اوایل کار با روش تعدد قاضی به جرایم رسیدگی می کردند. اما بعد از تصویب قانون اصلاح موادی از قانون آئین دادرسی کیفری و تشکیل دادگاه های حقوقی و کیفری ۱ و ۲ روش تعدد قاضی منسوخ شده و در حال حاضر در قلمرو دیدگاه ها روش وحدت قاضی وجود دارد. تنها شعب دیوان عالی کشور هنوز هم با سیستم تعدد به پرونده های رسیدگی می کنند.

آنچه در نظام تعدد قاضی باید مد نظر داشت این است که حداقل اعضای رسیدگی به پرونده باید سه نفر باشند و البته در جرائم مهمتر ۵ نفر در هر حال باید فرد باشد تا به قدر متقینی دست یابند. اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ام بخش وجد نهادی دموکراتیک به نام هیأت منصفه است این اصل مقرر می دارد:

رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه و محاکم دادگستری صورت می گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی معین می کند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در عبارت خود سهم فراوانی را برای نقش مردم قائل شده است. در اصل یکصد و شصت و هشتم هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون اساسی موازین اسلامی معین می کند.

- کاد۵۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری الحاقی ۱۳۹۳

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در عبارت خود سهم فراوانی را برای نقش مردم قائل شده است. در اصل یکصد و شصت و هشتم هیأت منصفه را به داوری طلبیده و حضور آن را در رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی الای دانسته است. مذاکرات خبرگان در بررسی نهایی قانون اساسی حکایت از آن دارد که هیأت منصفه، هم دارای سابقه اسلامی است و هم محتوای فقهی دارد و هم به لحاظ علنی بودن جلسه دادرسی به لحاظ حضور هیأت منصفه، جلوی بسیاری از مفاسد و مزیقه ها و دیکتاتوری ها را می گیرد. در جلسه شصت و دوم مجلس خبرگان در مورد تصویب اصل ۱۶۸، مخالفین وجود نهاد هیأت منصفه اظهار داشتند که این نهاد با شکل غربی آن که مرکب از افراد عامی غیر حقوقدانان و یا غیر فقیه است سابقه اسلامی ندارد.

اما از نظر سوابق اسلامی آمده است که گروهی از اهل خیره اشتباهات قاضی را گوشزد می کردند و با نظریات خود، قاضی را از خطا و اشتباه مصون می داشتند، ذکر این نکته لازم است که داین صورت اگرما این گروه را هیأت منصفه بنامیم از نظر اسلامی، نظر ایان الزام آور نیست، زیرا ایشان در مقام انشای حکم نظر نمی دهند، اما ماهیت تصمیم گیری هیأت منصفه حکم است و نه صرفاً یک نظر مشورتی و یا کارشناسی. پیشنهاد شد که اگر این هیأت مرکب از اشخاصی باشد که ولی امر آنها را معین نموده و از مجتهدین باشند که لااقل به اندازه خود دادرسی صاحب نظرند، دراین صورت این هیأت منصفه می تواند از نظر شرعی مورد تایید باشد که البته نهایتاً در متن این اصلا با قید «موازین اسلامی» مشکل شرعی که به این نهاد وارد بود، مرتفع شد. اما در عمل قانون مطبوعات سال ۱۳۵۸ هیأت منصفه ای را مقرر داشت که اعضای آن فاقد شرط مزبور بودند و نظر شارعین قانون اساسی تأمین نشد. هیأت منصفه نهادی است که در برخی از محاکمات کیفری حضور داشته و از جمله تضمینات متهم دران نوع از محاکمات است. معادل لاتین آن jury است که از نظر معادلی معادل همخوان و دارای هماهنگی است. این هیأت، تحت شرایط خاص در رسیدگی به برخی از جرایم با دادستان دادگاه های کیفری همکاری می کنند. اصل هیأت منصفه از کشور انگلستان است.

شرکت هیأت منصفه دادگاه های کیفری سبب می شود که این دادرسی ها جنبه دموکراتیک و مردمی به خود بگیرد و افکار عمومی در آن تجلی یابد، در حقیقت چون اعضای هیأت منصفه نمایندگان قاطبه مردم هستند، انتظارات آنان را از عدالت دادگستری تأمین می نمایند و نشان می دهند که جامعه خواهان چه نوع قضاوت هایی است، به عبارت دیگر آرائی که با شرکت هیأت منصفه صادر می شود نماینده افکار عمومی بوده و نشان دهنده توقعات مردم از دستگاه قضایی می باشد و دارای اهمیت و فواید سیاسی- قضایی است.

اصل هیأت منصفه از نظام حقوقی انگلستان گرفته و وارد قوانین کشورهای دارای حقوقی رومی- ژومی شده است. بررسی و کاوش در چگونگی پیدایش نهاد هیأت منصفه در تاریخ حقوق ما را به این نتیجه مهم رهنمون می سازد که چارچوب خشک و غیرقابل انعطاف نظام حقوقی کامن لا و طرح دعاوی در قالب های مشخص که به نتایج مشخصی نیز رهنمون می شد، وجدان حقوقی و عدالت خواهانه مردم آن زمان را بر آن داشت که نهادی به نام هیأت منصفه را برای کاهش اثرات خشن و خشک قوانین بنیان نهادن. قوه حاکمه هر عملی را که موجب تنش در اوضاع سیاسی کشور و اعمال اداری می شد و یا اینکه عمل شخص در مقابل نظریات مستبدانه حکومت قرار می گرفت جرم سیاسی تلقی می کرد و ا را به شدیدترین مجازات ها مواخذ می کرد و این به دلیل عدم وجود اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها در نظام حقوقی کامن لا بود، بنابراین هیأت منصفه به عنوان نمایندگان عرف و عامه مردم در مقابل قوه حاکمه و به حمایت از متهم وارد عمل می شد و اول نظر می داد که آیا عمل و یا ترک عمل متهم از دید وجدان عمومی جامعه شریانه و مستحق سرزنش هست یا خیر؟ و ثانیاً تا ه میزان

شخصیت بزهکار و اوضاع و احوال اقتضا می نماید که در صورت جرم بودن عمل، مجرم مشمول تخفیف قرار گیرد؟ بنابراین وجود چنین نهادی با توجه به سیستم حقوقی مزبور کاملاً موجه بود؛ ولی آیا چنین نهادی در سیستم حقوقی رومی- ژرمنی عموماً و در نظام ما قابل توجیه است؟

در پاسخ به این سوال باید در ماهیت جرایم و نوعی جرایم تمیز قائل شویم:

۱- جرایم عادی و عمومی

۲- جرایم سیاسی و مطبوعاتی

در خصوص نوع اول از جرایم وجود چنین نهادی قابل توجیه نیست، زیرا ماهیت جرایم نوع اول به گونه ای نیست که نظام سیاسی و ساختار آن منظور قصد مجرم باشد. بنابراین قوه حاکمه در این امر خود را ذینفع نمی بیند تا اینکه علیه مجرم در دادگاه کیفری اعمال نفوذ نماید.

ثانیاً به موجب اصل حاکم بر قلمرو مقررات کیفری «هیچ فعل یا ترک عملی فعلی قابل مجازات نیست مگر اینکه به موجب قانون جرم و قابل مجازات باشد» بنابراین مرجع تشخیص جرم بودن عمل یا ترک عملی قانون است نه عرف. بنابراین وظیفه دادگاه است که اولاً موضوع را بررسی نموده و واقعیت مجرمانه را احراز نماید و پس از آن «حکم» مربوط به موضوع را مشخص نماید.

اما در جرایم نوع دوم یعنی جرایم سیاسی و مطبوعاتی از آنچه که قوه حاکمه و نظام سیاسی مملکت هدف مستقیم مجرم از ارتکاب است و بدیهی است که قوه حاکمه عکس العمل نشان خواهد داد و هم خود را مصروف محکوم ساختن مرتکب خواهد نمود.

بنابراین احتمال اینکه مبادا قوه حاکمه مختلف بر استقلال و نحوه تصمیم گیری قاضی اعمال نفوذ نماید، وجود دارد؛ پس احراز موضوع را قانون در صلاحیت هیأت منصفه قرار داده است. بنابراین در اینجا، هیأت منصفه لازم به جهت حمایت از آزادی و استقلال فرد و حمایت از آزادی بیان- وجدان بیدار عرف به قضاوت بنشینند و اتهام انتسابی از طرف قوه حاکمه را جرم سیاسی یا مطبوعاتی بدانند.

اعضای هیأت منصفه موظفند که در جلسات دادگاه تا اعلام ختم دادرسی حضور داشته باشند. موارد رد اعضای هیأت منصفه همان است که در قوانین برای رد قضاوت پیش بینی شده است.

هرچند با توجه به سابقه شکل گیری نهاد هیأت منصفه بایستی اظهار داشت که این هیأت باید از اشخاص عادی و از قشرهای غیر رسمی باشد؛ ولی چون قاضی براساس رأی هیأت منصفه به صدور رأی اقدام می نماید؛ بنابراین مهمترین مسئله در یک دادرسی جزایی و صدور حکم، مشمول شناختن است و این مهم بسته به نظر هیأت منصفه است.

بنابراین احتمال اینکه مبادا قوه حاکمه مختلف بر استقلال و نحوه تصمیم گیری قاضی اعمال نفوذ نماید، وجود دارد؛ پس احراز موضوع را قانون در صلاحیت هیأت منصفه قرار داده است. بنابراین در اینجا، هیأت منصفه لازم است به جهت حمایت از آزادی و استقلال فرد و حمایت از آزادی بیان- وجدان بیدار عرف بیه قضاوت بنشینند و اتهام انتسابی از طرف قوه حاکمه را جرم سیاسی یا مطبوعاتی بدانند.

اعضای هیأت منصفه موظفند که در جلسات دادگاه تا اعلام ختم دادرسی حضور داشته باشند. موارد رد اعضای هیأت منصفه همان است که در قوانین برای رد قضاوت پیش بینی شده است. هرچند با توجه به سابقه شکل گیری نهاد هیأت منصفه بایستی اظهار داشت که این هیأت باید از اشخاص عادی و از قشرهای غیر رسمی باشد؛ ولی چون قاضی براساس رأی هیأت

منصفه به صدور رأی اقدام می نماید؛ بنابراین مهمترین مسئله در یک دادرسی جایی و صدور حکم، مشمول شناختن است و این مهم بسته به نظر هیأت منصفه است.

بنابراین نظر هیأت منصفه یک نظر قضایی است، یک نظر قضایی شورایی که حاصل شو و همفکری چند نقره است بدیهی است که این نظر قضایی بایستی با توجه به اصول حقوقی و شناخت ویژگی ها و عناصر یک جرم صادر گردد و این امر از هیأتی که اکثراً علمی و غیر حقوقدانان هستند امری پسندیده و مقنن نمی تواند باشد.

به همین خاطر در سیستم های حقوقی انگلیس و آمریکا قبل از جلسه دادرسی یک قاضی هیأت منصفه را در هر حال با بیانی ساده نسبت به موضوع رسیدگی توجیه نمواه و آثار تصمیم گیری هیأت منصفه را، به ایشان گوشزد می نماید؛ بنابراین واگذاری سرنوشت یک متهم سیاسی یا متهم به ارتکاب جرم مطبوعاتی به دست اشخاص عامی چندان صحیح به نظر نمی رسد و درباره وجود چند متخصص و حقوقدانان نیز همان مباحث تعدد قاضی وجود دارد و از آنجا که در بحث هیأت منصفه از افکار چندگانه و جمعی بهره برده می شود و تعدد قاضی هم همین صورت از علم و درایت چند متخصص امر قضا توان بهره جست. در راستای آخرین تحولات حقوق کیفری ایران قانون دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ توجه زیادی به تعدد قاضی در دادگاه های کیفری داشته است، و این موضوع را در دادگاه های کیفری یک، دادگاه نظامی، انقلاب، و دادگاه اطفال پیش بینی شده است که در دادگاه اطفال نظر مشاور در این خصوص مشورتی است، در دادگاه کیفری ۲ تعدد قاضی پیش بینی نشده است، تعدد قضات در دادگاه های نظامی یک و دادگاه های نظامی زمان جنگ همانند دادگاه های کیفری یک و دو می باشد.

منابع:

- ۱- آخوندی، محمود؛ ۱۳۷۰، آئین دادرسی کیفری، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهارم، ج ۱
- ۲- آقابابایی، اسماعیل، ۱۳۸۲ جایگاه هیات منصفه در حقوق ایران، نشریه نامه مفید مرداد و شهریور، دوره ۹، شماره ۳
- ۳- آشوری، محمد؛ ۱۳۸۳ آئین دادرسی کیفری، تهران، سمت، چاپ هشتم، ج ۱،
- ۴- انصاری، مرتضی بن محمد امین، ۱۳۸۴، انقضاء و الشهادات، چاپ چهارم، ج ۱
- ۵- اردبیلی، مولی احمد، ۹۹۳ ق مجمع الفائده والبرهان ج ۱۲،
- ۶- بجنوردی، موسوی ۱۳۷۵ قضاوت شورایی و هیات منصفه در سیستم حقوقی اسلامی
- ۷- سنگدلجی، محمدحسن، ۱۳۲۲، قضاء در اسلام،
- ۸- خامنه ای، مهین دخت، ۱۳۸۶، هیات منصفه در دادگاه های کشورهای ایالات متحده آمریکا شمالی
- ۹- سیدمحمد هاشمی، ۱۳۹۳ حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم
- ۱۰- عمید زنجانی، عباس علی، ۱۳۷۵ فقه سیاسی، جلد ۱، چاپ دوم، انتشارات دیبا
- ۱۱- زراعت، عباس؛ آئین دادرسی کیفری، تهران، فکرسازان، چاپ دوم، ۱۳۸۳، ج ۱
- ۱۲- خالقی، علی؛ آیین دادرسی کیفری، تهران، نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۷، چاپ اول، ۳۸۲ و ۳۸۳
- ۱۳- قهرمانی، توسعه قضایی و نهاد داوری، مجله کانون وکلا، دوره جدید شماره ۳ فروردین ماه ۱۳۸۰
- ۱۴- زراعت، عباس؛ قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوقی کنونی، تهران، انتشارات خط سوم، ۱۳۸۶، چاپ اول، ۸۳۰
- ۱۵- گاستون استفانی، ژرژ لواسور و برنار بوکوک، ۱۳۸۰، آیین دادرسی کیفری، ترجمه ی حسن دادبان، جلاول

- ۱۶- ژال پردال، ۱۳۸۰، تاریخچه اندیشه های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی
- ۱۷- رحمدل، منصور، پاییز ۱۳۹۴، آیین دادرسی کیفری (جلد دوم)، چاپ دوم انتشارات دادگستر؛
- ۱۸- مصدق، محمد، ۱۳۹۴، نوآوری های قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با آخرین اصلاحات ۱۳۹۴، چاپ اول انتشارات جنگل، جاودانه.
- ۱۹- مصدق، محمد، ۱۳۹۳، آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۴، دکتر چاپ اول انتشارات جنگل، جاودانه؛
- ۲۰- کیان، محمد، ۱۳۹۳، تحولات و رویکردهای نوین قانون آیین دادرسی کیفری، سید چاپ اول انتشارات هزار رنگ؛
- ۲۱- مصدق، محمد، ۱۳۹۴، نوآوری های قانون جدید آیین دادرسی، انتشارات جنگل
- ۲۲- فیض، علیرضا، ۱۳۶۸ مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی در اسلام، انتشارات وزارت فرهنگ و آموزش عالی
- ۲۳- اخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد سوم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۰
- ۲۴- سنگلجی، دکتر محمد، ۱۳۷۶ «آیین دادرسی در اسلام» انتشارات دانشگاه تهران،
- ۲۵- کشاورز، بهمن، ۱۳۷۲، نگرشی بر قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، چاپ اول، تهران، نشر میزان
- ۲۶- ولیدی، محمد صالح، ۱۳۷۳، حقوق جزای عمومی، ج ۳، چاپ اول، تهران، نشر داد
- ۲۷- مرعشی شوشتری، سید محمد حسن، ۱۳۷۶، دیدگاههای نو در حقوق کیفری اسلام، نشر میزان، چاپ دوم
- ۲۸- محمدی گیلانی، محمد، ۱۳۶۲ قضا و قضاوت در اسلام، تهران، انتشارات المهدی (ع)
- ۲۹- گرجی، ابوالقاسم، ۱۳۶۵، مقالات حقوقی، جلد اول، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۳۰- فیض، دکتر علیرضا، ۱۳۷۳ مبادی فقه و اصول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم
- ۳۱- ولیدی، محمد صالح، ۱۳۷۱ حقوق جزاء مسئولیت کیفری، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر